



تحقق تئاتر ملی با هویت ایرانی - اسلامی» ضروری است

معاون امور هنری وزیر فرهنگ در پیامی به مناسبت برگزاری بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی نوشت: تحقق شایسته «تئاتر ملی با هویت ایرانی - اسلامی» در عصر رسانه‌های دیجیتال ضروری است. بخشی از متن پیام محمود سالاری بدین شرح است: در عصر رسانه‌های دیجیتال، لزوم طراحی و سازماندهی سازوکاری نظام‌مند و فراگیر برای تحقق شایسته «تئاتر ملی با هویت ایرانی - اسلامی» بیش از هر زمان دیگری خودنمایی می‌کند. ضروری است با هم‌افزایی رو به رشد و کارشناسی شده، شاهد نتایج چشمگیرتر و شایسته‌تر از جریانی باشیم که قریب به سه دهه در بستر جشنواره‌های آیینی و سنتی این سرزمین عزیز، جاری و ساری است. اصباحیر



تنهایی حسامی در عمارت ارغوان

حسن حسامی کارگردان تئاتر در مرحله دوم نمایش «تاریکخانه»، این بار «تنهایی» را به روی صحنه عمارت ارغوان می‌برد. تاریکخانه بانگه‌ویژه‌ای به تئاتر ابزود، تصاویری شکسته و درهم از وضعیت بشر با همه بیهودگی‌اش در دوران معاصر را نشان می‌دهد. آیا تمام تلاش‌های انسان در انتها به بیهودگی می‌انجامد؟ تاریکخانه ۲ پس از تاریکخانه ۱ و دختر سومین کار نمایشی حسن حسامی در تهران است. نمایش تاریکخانه ۱ به نویسندگی و کارگردانی حسن حسامی که از ۱۶ خرداد امسال به روی صحنه رفت به دلیل استقبال مخاطبان و سولداوت شدن دوبار هم تمدید شد. در تاریکخانه ۲، حامد خسروی، سحر باقرآبادی، علی نیکبیار، پژال مرادی لاکه، شکیلا مودت پور، فلور فغانی، هاتف گودرزی و سینا تقی‌زاده ایفای نقش می‌کنند. ایرنا

ابراهیم زاهدی مطلق:

باید واقعیت جنگ را برای مردم تبیین کنیم

مردم، این جاده‌ها نیست. لایق مردم اتفاقاتی که در میزبانی از تیم عربستانی النصر افتاد نیست، لایق مردم، این زمین استادیوم نیست. زاهدی مطلق با تأکید بر این که باید واقعیت‌های جنگ را برای مردم تبیین کنیم، گفت: بخشی از این‌ها ممکن است در زمان اتفاق بیفتد. سال‌ها از جنگ گذشته است؛ اما اتفاقات کهنه نمی‌شود همان‌طور که هنوز در اروپا و امریکای شمالی، داستان‌ها و فیلم‌هایی درباره جنگ اول ساخته می‌شود و اسکار و نوبل هم می‌دهند در حالی که ۸۰ سال از آن گذشته است؛ به فیلم «اسب جنگی» اسکار دادند که برای جنگ جهانی اول است یا «نجات سرباز رایان». از جنگ کلی زمان گذشته است. می‌خواهم بگویم هر گاه و با نگاهی جدید می‌توان سراغ جنگ رفت. او در ادامه بیان کرد: جنگ مهم‌ترین اتفاق و رویداد بشر است که انتهای خباثت و شفقت و مهربانی و گذشت انسان‌ها در آن دیده می‌شود. جنگ ما شریف‌تر از جنگی بود که در اروپا اتفاق افتاد، در میانه قرن بیستم در اروپا نسل‌کشی راه انداختند و اروپا سکوت کرد. در جنگ‌های آسیایی بی‌رحمی و قتل عام بوده؛ اما نسل‌کشی نبوده است. در جنگمان نه عراقی‌ها تصمیم داشتند فارس‌ها را نابود کنند و نه ما تصمیم داشتیم عرب‌ها را نابود کنیم. اما در بوسنی نسل‌کشی راه انداختند و اروپا که مدعی همه چیز در دنیاست، سکوت کرد. ایسنا

عجیب و غریب و ریاکاری کردند که اعتبار حرف‌های درست هم از بین رفته است. واقعیت ماجرا این است ما درگیر جنگی شدیم که شرق و غرب عالم داشتند به یک طرف ماجرا کمک می‌کردند و به ما هم هیچ چیزی نمی‌دادند. هر دو کشور مسلمان بودند و در طول این هشت سال، کل کشته‌های آن طرف و شهیدان ما به ۵۰۰ هزار نفر هم نمی‌رسد. این نشان می‌دهد ما حتی در جنگمان هم شریف‌تر از کشورهای بودیم که مدعی یک‌سری حقوق انسانی و شهروندی و... هستند. این نویسنده با تأکید بر این که ما به خاطر زیاده‌خواهی یک فرد و حمایت‌های جهانی از او که بیشتر برای سرنگونی انقلاب بوده، وارد جنگ ناخواسته‌ای شدیم و طرف مظلوم ماجرا بودیم، اظهار کرد: ما طرف حق و مظلوم ماجرا بودیم و دنیا پشت ناحق بود و ما را از همه چیز محروم کردند. در خاطرات یکی از رزمندگان که در بخش تدارکات بود، نوشته شده حتی به ما گونی برای ریختن شن و یاسیم خاردار نمی‌دادند. این‌ها واقعیت ماجراست. باید این‌ها را تبیین کنیم تا خودمان باورمان بشود که چه کسی هستیم. باید باور کنیم چه شخصیتی داریم، چقدر آدم محترمی هستیم و چه چیزی لایق ماست. همان‌طور که می‌گوییم لایق این مردمان، پراید نیست، لایق

ما هشت سال طول کشیده و دو کشور درگیر بودند، البته به تعبیری کل دنیا پشت یک طرف از طرفین ماجرا بوده و کمکش می‌کردند. این یک واقعیت است؛ اما آن قدر برخی از مسئولان حرف‌های بی‌معنی و شبهه‌برانگیز زدند، کارهای



ابراهیم زاهدی مطلق می‌گوید: در ماجرای جنگ خیلی کار داریم و باید به لحاظ مستندات بگویم حق ما چه بوده و واقعیت‌ها چه هستند. وقتی این‌ها را گفتیم بعد در زمان و داستان بیابوریم. البته اساساً زمان، نگاه نویسنده به ماجرای جنگ است، زمان قرار نیست مستند و محل رجوع باشد؛ کسی نمی‌تواند در مقالات علمی و پژوهشی به زمان ارجاع دهد. این نویسنده درباره پرداختن به جزئیات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با بیان اینکه چه بخواهیم و چه نخواهیم از آغاز زندگی بشر جنگ و خونریزی با آدم‌ها بوده است، گفت: در جنگ برخی ظالم ماجرا بودند و برخی مظلوم، برخی ناحق و برخی برحق. به قول دوستی در طول تاریخ هیچ‌گاه بین دو حق جنگی درنگ‌رفته است، جنگ باطل با باطل بوده، جنگ باطل با حق بوده؛ اما بین دو حق جنگی شکل نگرفته است. او با اشاره به جنگ‌های جهانی و با بیان اینکه واژه «جهانی» توسط طرفین متخاصم روی آن گذاشته شده است، گفت: در این جنگ کل جهان نمی‌جنگیدند، چند کشور داشتند جنگ می‌کردند و چند کشور هم کمک‌های لجستیکی می‌کردند. در جنگ دوم که چهار سال به طول انجامیده، ۶۰ میلیون نفر کشته شده‌اند، جنگ

به یاد یاران

حبیب‌الله صادقی؛ سردمدار هنر انقلاب و مقاومت

در می‌آمد، بوم‌ها کاغذها و حتی دیوارها از او کم می‌آوردند. اولین تابلوهای وی مربوط به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بود. سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، دورانی که شاید در ابتدای دوره جوانی‌اش بودند و کارهای فاخر در حوزه ترویج آثار هنرهای انقلابی را از همان زمان شروع کرده بود. وی سال ۱۳۵۵ کشتار فیضیه را کشید و این سرآغازی بود بر آنچه بعدها «هنر انقلاب» نام گرفت. آخرین کار استاد یک اثر صدمتری است. اثری که از تاریخ پرشکوه ایران اسلامی تانماز حضرت آقا بر پیکر شهید سلیمانی عزیز را شامل می‌شود. دکتر صادقی، این اثر را عاشقانه و شبانه‌روزی با یک کار جهادی به انجام رساند اما فرصت نشد که با حضور خودش رونمایی از آن انجام شود. درست مانند مثنوی معنوی که بسیار دوستش می‌داشت، اثری که اگر تمام می‌شد، ناقص می‌ماند. اثری که گشوده باقی مانده و نسل‌های بعد را برای ادامه دعوت می‌کند و نقاشی حبیب نیز به روی هنرمندان جوان باز است، همانند راهش. یادش ماندگار و هنرش پایدار.

زنده نام حبیب‌الله صادقی هنرمند مقاومت و مردم بود. مضامین آثار این هنرمند نقاش حاوی پیام‌های مهمی بود. او هم عضو پیوسته فرهنگستان هنر بود و هم همکار حوزه هنری و هم رییس موزه هنرهای معاصر که با وجود مشکلات متعدد در دستگاه فرهنگی کشور این موزه در دوره مدیریت وی، در تاریخ خود، یکی از دوره‌های طلایی را تجربه کرد. او آثار بسیاری را با موضوع دفاع مقدس، جنگ و حماسه خلق کرده است. او آرمان‌هایی داشت که از یک اصول فکری نشأت گرفته بودند. دکتر حبیب‌الله صادقی وارث هنر پرافتخار ایران است. وارث رنگ‌های مانی و مضامین مردمی رضا عباسی. کار او در نقاشی مقاومت بی‌سابقه بود و مطمئناً یک اسوه ماندگار خواهد شد. او همچنین خلق، هنر، دانش، معنویت و معرفت، سنت و مدرنیته را با هم پیوند می‌زد. دست به قلمو که می‌برد رنگ‌ها؛ آسمان آبی، رود جاری، ابر و باران زیبا می‌شدند. نبرد علیه ظلم، دستان گره کرده، شهید درون خاک و مادری رنج کشیده و چهره‌ی نوازنده تنها. وقتی پرنده خیالش به پرواز

